



رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی

## دنیای امروز با مهندسی کار می‌کند

گفت‌وگو

زمانی و ترتیب منطقی اقدام‌ها جای خودش را نداشته باشد. این مختص جامعه‌ای است که انقلاب در آن اتفاق افتاده است و تغییراتی از مبدأ رخ داده است. دلایل دیگری هم وجود

دارد و خیلی غیرطبیعی و غیرمنطقی نیست. البته مقطع زمانی حدود ۳۰ سال، بسیار مهم است. یعنی اگر پس از گذشت ۳۰ سال ما نتوانیم با طراحی و پیش رو داشتن نقشه کامل تحقق مهندسی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی به سمت آینده حرکت کنیم، تلاش‌هایمان قابل قبول نیست.

معنی و مفهوم مهندسی فرهنگی یعنی طراحی نقشه برای تحقق نظام جمهوری اسلامی آیا نظام جمهوری اسلام یک تعریف معین دارد؟ الفاظ و عناوین در خیلی از جاها گویای مفاهیم هستند، به خصوص موقی که ما این الفاظ و عبارات و عناوین را کاملاً با اراده و با قصد انتخاب کرده باشیم. تأسیس نظام جمهوری اسلامی را حضرت امام (ره) به مردم پیشنهاد دادند؛ یعنی ما بعد از اینکه وضع موجود خود را به دلایل مختلفی قبول نداشتیم، آن وضع را برهم زدیم تا وضع جدیدی که می‌خواستیم بسازیم. این وضع جدید چه بوده؟ امام (ره) آن را به مردم معرفی کردند و اکثریت قریب به اتفاق مردم آن را پذیرفتند. مهندسی فرهنگی، یعنی تدوین نقشه برای تحقق کامل نظام جمهوری اسلامی. یک مهندس وقتی می‌خواهد ساختمانی بسازد، در این ساختمان اجزایی مانند اتاق پذیرایی و اتاق مطالعه می‌گذارد. بخش‌های دیگری نیز قرار می‌دهد که هر کدام یک هدف جزئی

سرکار خانم منیژه نوبخت متولد ۱۳۲۹ تهران و دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی می‌باشد. ایشان در حال حاضر رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی و عضو این شورا است. آنچه در پی می‌آید گفت‌وگو با ایشان در مورد مهندسی فرهنگی است.

می‌کنم این است که با مهندسی فرهنگی چه هدفی را تعقیب می‌کنیم. مفهوم علمی کلمه مهندسی، در واقع نقشه‌ای طراحی شده‌ای است که تصویر کار یا شکل نهایی عملیاتی را که می‌خواهد انجام شود، پیش روی ما می‌گذارد مثل نقشه ساختمان. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، چه چیزی را تعقیب می‌کنیم. هدف نهایی؛ تحقق نظام جمهوری اسلامی است. به نظر من مهندسی فرهنگی برای ما به این مفهوم است که ترسیمی فنی، علمی، قابل تعریف و قابل دفاع از نظام جمهوری اسلامی داشته باشیم. دقیقاً بعد از ترسیم این نقشه و دفاع از این نقشه با تیم اجرایی برای شکل دادن واقعیت خارجی این پدیده که به دنبال آن هستیم وارد عمل می‌شویم. ممکن است کسی سؤال کند حدود ۳۰ سال از عمر نظام جمهوری اسلامی گذشته و حالا بحث مهندسی فرهنگی را با این مفهوم بیان می‌کنید، آیا معنایش این است که در گذشته این کار را نکرده‌ایم؟ من با جرئت پاسخ می‌دهم این کار را نکرده‌ایم؛ یعنی به این معنا مهندسی را انجام ندادیم. حالا دلایل مختلفی هم داشته است. مهم‌ترین دلیل آن به اعتقاد من این است که ما حرکتیمان را از وقوع انقلاب آغاز کردیم. در جامعه‌ای که تغییر و تحولات اساسی آن با وقوع انقلاب آغاز می‌شود، طبیعی است که تقدم و تأخر

• ارزیابی شما از برگزاری همایش ملی مهندسی فرهنگی کشور در آینده نزدیک و مفهوم مهندسی فرهنگی کشور چیست؟ ما در شرایط خاص و حساسی

به سر می‌بریم که بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌ها برای ما حرف اول را می‌زند. امیدوار هستم حاصل دور جدید فعالیت‌هایی که دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع کرده است و برگزاری همایش ملی مهندسی فرهنگی، ترسیمی از نقشه مهندسی فرهنگی کشور باشد. محورهای خوبی تعیین شده و تا آنجا که اطلاع دارم فعالیت‌های پژوهشی خوبی هم آغاز شده، امیدواریم در زمان برگزاری همایش بتوانیم از فعالیت‌های علمی و پژوهشی که در جریان است برای ورود به بخش اجرایی استفاده کنیم. به نظر می‌رسد توقع اکثر مدیران فرهنگی، پژوهشگران و افرادی که به نوعی با موضوع ارتباط برقرار کرده‌اند این است که حاصل این همایش ورود به بخش اجرایی باشد، ولو این کار در یک فاز معین، مشخص و تعریف شده باشد. با برگزاری همایش و فعالیت‌های علمی که با محوریت همایش انجام می‌شود، جرئت پیدا می‌کنیم در بخش اجرایی وارد شویم و طراحی در یک مقطع زمانی معین برای مهندسی فرهنگی کشور داشته باشیم. آنچه از مهندسی فرهنگی درک



را تعقیب می‌کنند. اما کل ساختمان یک هدف نهایی را تعقیب می‌کند. پس هدف نهایی ما تحقق نظام جمهوری اسلامی ایران است.

• با توجه به مسیر زمانی که کشورهای توسعه یافته برای پیشرفت پشت سر گذاشته‌اند می‌گوییم زمان ۳۰ سال برای تحقق اهداف انقلابی کم بوده است و هم اکنون ما در دوران گذار به سر می‌بریم. آیا باز باید همان مسیر ۳۰ سال گذشته را ادامه دهیم یا واقع‌گراتر به مسائل جامعه نگاه کنیم؟ به نظر شما از این به بعد باید چه کار کرد؟

در ده سال گذشته نظام اقتصادی ما از نظام فرهنگی‌مان گسستگی داشته، که این مسئله به دلیل اقتضا جامعه در گذشته قابل قبول بوده اما دیگر قابل قبول نیست. ما در مهندسی فرهنگی باید از تجربه‌های ۳۰ ساله کشور استفاده کنیم که مهم‌ترین بخش آن تعریف روش‌ها و مدل‌های حرکت است. دقیقاً مثل یک ساختمان باید بدانیم اتاق اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خود را چگونه طراحی کنیم و چگونه این طراحی باید از جامعیت برخوردار باشد و ارتباط کامل بین تمام اجزاء آن برقرار باشد. این مهندسی را ما باید امروز انجام دهیم. یعنی امروز دقیقاً باید نظام جمهوری اسلامی را به عنوان یک کل و واحد نگاه کنیم. اگر کسی به این پدیده، نگاه واحد نکرد و فقط نگاه اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی داشت در طراحی نقشه دچار اشتباه می‌شود.

• آموزه‌های دینی و قرآنی در ترسیم مهندسی فرهنگی چه جایگاهی دارند؟ آنچه که در نظام جمهوری اسلامی اصالت دارد، انسان است. انسان شدن، به تعبیر امام (ع)، حال برای انسان شدن، ابتدا باید مهندسی فرهنگ را انجام دهیم یا مهندسی فرهنگی را. من معتقد هستم که اول باید مهندسی فرهنگی را انجام دهیم. اول باید

کل نظام، مهندسی فرهنگی شود. در این نقشه کلی خود فرهنگ یک جزء است. مقام معظم رهبری در تعاریف‌شان فرمودند: «روح موجودیت هر آنچه که ما داریم فرهنگ است.» این نگاه در واقع نگاه فرهنگی است. در این نقشه ما با همان اصولی که از تعریف نظام جمهوری اسلامی درک می‌کنیم یعنی اصولی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ما می‌دهد باید اجزاء این نقشه را در جای خودش

طراحی می‌کند.

اقتصاد، سیاست و فرهنگ را طراحی می‌کنیم، بدون اینکه از ارتباط اینها با هم غفلت کرده باشیم. من معتقد هستم چون نظام ما یک نظام دینی است، اعتقادات و باورهای دینی بر آموزه‌ها مقدم است. آموزه‌های دینی در ترسیم نقشه تأثیر اولی و مستقیم دارند. چرا که تا ما با اعتقادات و باورهای دینی و با درکی که از آموزه‌های دینی داریم؛ وجه تمایز پدیده دینی و غیردینی را تشخیص ندهیم، نمی‌توانیم این مهندسی را انجام دهیم. مثلاً طراحی اقتصاد در نظام جمهوری اسلامی ایران، تا اقتصاددانان ما که طبیعتاً در طراحی اقتصاد می‌خواهد به ما کمک کند، اطلاع و اشراف دقیقی به موضوع و وجه تمایز اقتصاد یک جامعه دینی و یک جامعه غیردینی نداشته باشد، چگونه می‌تواند این را در مهندسی لحاظ کند. چگونه می‌تواند این ویژگی را در مهندسی اعمال کند. این نقشه مهندسی فرهنگی که ما دنبال آن هستیم برای خودش مختصات و چارچوبی دارد که شاید متأثر از دستاوردهای فرهنگی کشورهای دیگر باشد. شاید هم دستاوردهای فرهنگی ما در آن نقش داشته باشد.

کسانی که می‌خواهند این طراحی را انجام دهند طبیعتاً به همان دلیلی که توضیح دادم اگر مبتنی بر اعتقادات، باورها و آموزه‌های دینی خودشان نباشد در

مهندسی موفق نخواهند بود. اما اجزاء این پدیده مردم هستند. اجزاء نقشه‌ای که ما می‌خواهیم در جامعه محقق شود تک تک افراد جامعه هستند که اعتقاد و فعالیتشان روی هم گذاشته می‌شود و فرهنگ جامعه را می‌سازد. نقش اعتقادات، باورها و آموزه‌های دینی برای شکل دهی به این فرهنگ بسیار مؤثر است.

• آنچه از صحبت‌های شما برداشت می‌شود این است که مهندسی فرهنگی، یک روش یکسان است، چگونه می‌توان این روش را مبنای حرکت جامعه قرار داد؟

قطلاً برای اینکه آن نقشه روی کاغذ باقی نماند و در عالم خارج واقعیت پیدا کند ما ناگزیر هستیم که واقع‌بین باشیم. واقع‌بینی در روش‌ها، ما را به سمت اهداف‌مان هدایت می‌کند. در جایی که ما به هدف و آرمان می‌نگریم باید تدبیری برای روش واقع بینانه بدست بیاوریم. به طور مثال مشکلات بسیاری از کشورها این است که با پدیده جهانی شدن، جهانی کردن و یا جهانی سازی و هر کدام از اینها، مواجه هستند. نگرانی‌هایی

هم دارند که از آن جمله آسیب ندیدن فرهنگ شان است که این نگرانی به حق است. اما صرفاً نگرانی کافی نیست. ما ناچاریم واقع‌بینانه روش‌هایی را برای پیشگیری و مقابله با آن آسیب‌ها در مهندسی فرهنگی داشته باشیم. پس آن واقع‌بینی را در روش‌ها می‌خواهیم داشته باشیم. وقتی می‌گوییم برای ساختن ساختمان‌های خود نقشه‌ای را از مهندسی می‌گیریم، آیا معنای آن این است که خانه ما مثل هم است. این برداشت که حاصل مهندسی فرهنگی در واقع تعبیه قالب‌های چند قالب مشخص است که این چند قالب مشخص را به همه زوایای جامعه می‌خواهیم تطبیق دهیم یک تلقی غلط است. اگر مهندسی فرهنگی انجام شود، شما می‌بینید که به تعداد پدیده‌هایی که می‌خواهیم آنها را در ساختار فرهنگی خود به شکل مطلوب داشته باشیم، راه و روش و برنامه عملیاتی خواهیم داشت. برنامه عملیاتی غیر از آن نقشه اصلی و مهندسی فرهنگی است. ما ابتدا آن نقشه را طراحی می‌کنیم و بعد بر مبنای نقشه‌ای که طراحی کرده‌ایم، طراحی عملیات می‌کنیم. چگونگی شروع عملیات و پرداختن به بخش اجرایی در مرحله سوم با ورود به این بخش آغاز می‌شود؛ یعنی تحقق آن اجزاء که در مهندسی فرهنگی پیش‌بینی کرده‌ایم.

• در تحقق مهندسی فرهنگی، زنان جامعه ما چه نقشی دارند؟

به موضوع زنان به طور خاص می‌توانیم بپردازیم. این موضوع به دلیل اعتقاد ما به تعبیر رایج امروز و نگاه‌های فمینیستی و اینکه برتری‌هایی به زنان باید در جامعه در مقابل مردان بدهیم نیست؛ بلکه به لحاظ اهمیت موضوع و بر همان روش که پیامبر اکرم (ص) در سیره و توجه خاص به زنان و دختران داشته‌اند است. در اقتصاد، سیاست، فرهنگ و علم جامعه و مجموعه اجزاء جامعه قطعاً ارتباطی با زنان وجود دارد. در حقیقت نقش زنان یک نقش حساس است. ما وضعیت خاص خود را داریم و معتقد هستیم که کاملاً قابل تحقق و علمی است و بهترین الگو برای جهان امروز هم خواهد بود. چون امروز تعریف خاصی از انسان است و همچنین یک تعریف خاص هم از زنان است. اجازه بدهید جسارت کنم و بگویم در اکثر تعاریف، جایگاه زن ابزاری است نه جایگاه اصیل.

دنیا امروز به افراد جامعه نگاه ابزاری و به زنان بسیار بیشتر از مردان نگاه ابزاری می‌کند. علی‌رغم حرف‌هایی که می‌زنند و شعارهایی که می‌دهند، کشورهایی مثل ایران و حتی خود ایران را از زیر ذره‌بین می‌گذرانند و به آن ایراد می‌گیرند؛ وضعیت فرهنگی زنان در ایران را قابل قبول نمی‌دانند و با معیارهای خودشان آن را می‌سنجند. امروز در مسائل جهانی هم نگاه به زنان و جایگاه زنان از اهمیت خاصی برخوردار است و هر جایی با اهداف خود، به موضوع نگاه می‌کند. من معتقد هستم، ما هم با اهداف خود باید به این موضوع نگاه خاص داشته باشیم و در مهندسی فرهنگی از این موضوع غفلت نکنیم.



ما فرد فرد جامعه مورد نظرمان است. این فرد فرد، دیگر زن و مرد ندارد. طبیعتا همه مورد نظر هستند. اما در واقع در این محورها به عنوان موضوعاتی که ما بررسی می‌کنیم، برای جمع آوری اطلاعات و توانمان برای طراحی در نهایت می‌خواهیم از این موضوعها چه استفاده‌ای کنیم. می‌خواهیم خودمان را آماده کنیم و با یک دقت علمی، نقشه خود را طراحی کنیم. در جمع آوری اطلاعات و کسب دقت و روش علمی برای طراحی، حتما توجه به جایگاه زنان هم باید از نظر دور نماند.

### • تأثیر و نقش مهندسی فرهنگی در سامان دهی آسیب‌های اجتماعی زنان چگونه مطرح شده است؟

بگذارید من یک تعبیر ساده را به کار ببرم. وقتی می‌گوییم عدم مهندسی فرهنگی، در یک مرحله عملیاتی، یعنی نداشتن برنامه هدفمند و اگر ما آن مهندسی را انجام ندهد باشیم، در اجرای برنامه‌های هدفمند جهت‌گیری شده به سمت آن، هدف نهایی نداریم، در نتیجه وقتی نباشد، فقدان آن برنامه کلان‌نگر در عرصه‌های مختلف باعث بروز آسیب می‌شود. چه برای مردان و چه برای زنان، البته این بروز و ظهور اجتماعی و فرهنگی را بیشتر برای زنان می‌بینیم. چون دیگران نقشه دارند دنیای امروز با مهندسی کار می‌کند و مهندسی فرهنگ دارد و بر مبنای آن مهندسی برنامه دارد و حرکت می‌کند. به خصوص در ارتباط با وضعیت زنان در جهان امروز. طبیعی است ما در این عرصه چون با دقت بیشتری در جهان امروز برنامه‌ریزی شده، ما در نتیجه نداشتن برنامه آسیب‌ها را بیشتر می‌بینیم. گروهی مورد توجه و هدف هستند و بر اساس آن اهداف برایشان برنامه طراحی شده است. بخشی از این آسیب‌ها که بروز می‌کند، در واقع نتیجه تحقق همان برنامه‌ها است و لذا طبیعی است. به طور قطع یکی از آثار مثبت مهندسی فرهنگی، داشتن برنامه‌های هدف‌نگر و هدفمند خواهد بود. به خصوص در ارتباط با حضور زنان در عرصه‌های مختلف، اجتماعی، فرهنگی و قدر مسلم بسیاری از سؤالاتی که امروز به نظر من هیچ جایی برای طرحش نیست روزی آن را مطرح می‌کردند که اساسا در یک جامعه اسلامی

زنان می‌توانند تحصیل کنند؟ خوب بی‌اطلاع بودند و تصورات غلطی بود که از جامعه دینی اسلامی داشتند. آیا در یک جامعه اسلامی زنان می‌توانند مشارکت اجتماعی داشته باشند؟ امروزه تمام این سؤالات پاسخ گفته داده شده است و جایی برای طرح ندارد. اگر کسانی هم طرح می‌کنند یا از سر غرض است و یا از سر بی‌اطلاعی آنچه که در ایران

اتفاق می‌افتد است. البته کمابیش در کشورهای اسلامی دیگر این مسائل هم بود. حالا چرا بعضی اوقات در درون جامعه ما درباره موضوعاتی که من اشاره کردم، احساس سردرگمی می‌شود، به نظر من به خاطر نبودن مهندسی فرهنگی و نداشتن برنامه‌های عملیاتی مبتنی بر آن مهندسی است.

## یکی از آثار مثبت مهندسی فرهنگی داشتن برنامه‌های هدف‌نگر و هدفمند است به خصوص در ارتباط با حضور زنان در عرصه‌های مختلف از جمله اجتماعی و فرهنگی

دختر تحصیل کرده دانشگاه ما یک باره احساس می‌کند، آیا مسیری را که رفته، درست رفته است؟ در اصل آن، شکی نیست؛ در تبعات آن است که این دچار یک وضعیتی در جامعه می‌شود که او را به تردید می‌اندازد. اینها نواقصی است که به نظر می‌رسد، با مهندسی فرهنگی و طراحی مبتنی بر

کار متخصصین باشد. در مطالعه تخصصی و رسیدن به نقشه که خود آن نقشه را ما طراحی کنیم. شاید سهم نخبگان بیشتر باشد، چون این امر تخصصی است. اما در اصل موضوع که اجرایی شدن و عملیاتی شدن این نقشه است و اینکه چه می‌خواهیم داشته باشیم، باید با همه مردم صحبت کرد. خیلی خوب است از همین حالا از رسانه ملی (صداوسیما) استفاده نماییم و موضوع را مطرح کنیم؛ در سطوح مختلف هم مطرح کنیم. هم در سطوح تخصصی و علمی، برای اینکه همکاری و همفکری، متخصصین و نخبگان جامعه را داشته باشیم، هم در سطوح ساده‌تر و مردمی آن، که مردم هم بدانند. مردم عادی و یک دانش‌آموز امروز، حق دارد که بداند وقتی ما می‌گوییم مشغول مهندسی فرهنگی شدیم، یعنی چه؟ و چکار می‌کنیم. یک دانشجویی ما هم بداند. یک خانم خانه دار ما هم بداند، یعنی بدانند که ما الان داریم به چه فکر می‌کنیم. چه اتفاقی می‌خواهد در این مملکت بیفتد. من معتقد هستم، هر کسی به اندازه درک خودش از موضوع، جایگاه و سهم خودش را از این موضوع باید پیدا کند. خانه‌ای است که می‌خواهد در آن بنشیند. بداند که در این خانه آیا اتاقی هم برای او ساخته شده و یا نشده است؛ و در ساختن این اتاق آیا خود او ملاحظه شده است؟ دانشگاه‌های ما با فراخوان همین همایش به نظر من نسبت به موضوع توجه پیدا می‌کنند. باید تلاش کنیم و دبیرخانه باید آمادگی وسعت کار علمی و اجرایی داشته باشد و کمیسیون‌های متعدد تشکیل شود. دانشجو هم شورای عالی انقلاب فرهنگی را می‌شناسد و هم توقع دارد و احساس مسئولیت می‌کند که در انجام وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی، او هم سهمی داشته باشد. پس کمیته دانشجویی را فراتر از آن بخش اجرایی و تشریفات فعال کنید به خصوص در آن بخشی از فرهنگ که مربوط به جوانان است.

### • دیدگاه شما در خصوص توانایی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی در پیاده‌سازی و ترسیم نقشه مهندسی فرهنگی و جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی در این باره چیست؟

مقام معظم رهبری فرمودند، «شورای عالی انقلاب فرهنگی برای این کار یک عقبه فکری و علمی قوی می‌خواهد.» و با این کار، ایشان محوریت را به دبیرخانه دادند و فرمودند، «دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی باید فعال شود» و تأکید داشتند که «از کل توان فکری و علمی کشور و به خصوص دانشگاهیان و پژوهش‌گران برای تحقق این امر باید استفاده شود.» پس ما یک عقبه علمی و فکری و پژوهشی قوی می‌خواهیم و خود شورای عالی انقلاب فرهنگی در واقع متولی و دبیرخانه توان علمی و فکری آن است.



### این مهندسی انشاءالله برطرف می‌شود. • در ترسیم و اجرای مهندسی فرهنگی، چگونه از نخبگان می‌توان استفاده کرد؟

من معتقدم در مهندسی فرهنگی از همه مردم استفاده کنیم. شما خانه‌ای می‌سازید، آنها در آن می‌نشینند. خوب است، وقتی برای کسی خانه می‌سازیم، حتما خود او را ملاحظه کنیم. هم شرایط و هم خواسته‌هایش را و هم نظراتش را، پس بسیار مفید خواهد بود که ما احاد جامعه را در این موضوع درگیر کنیم و بخواهیم که مشارکت کنند. چون ما نمی‌خواهیم تا ابد مهندسی را تعریف کنیم. این شاید

